

سیل پاکستان و افزایش خطر نابسامانی در منطقه

بارانهای موسمی در پاکستان یک سوم خاک این کشور را به زیر آب برده است. در اثر این وضعیت میلیونها نفر و به گفته سازمان ملل متحد 20 میلیون نفر در خطر مرگ، بیماری و گرسنگی قرار دارند. زیرساخت صنعتی پاکستان به کلی نابود شده است. کارخانه ها از کار ایستاده و مردم با از دست دادن خانه هایشان در بیابانها سرگردانند. حتی امدادهای اولیه نیز به علت نابودی راههای ارتباطی ممکن نیست و مردم تا آنجا که ممکن است از راه هوا با پرتاب آذوقه بخور و نمیر تامین می شوند.

مصیبت پاکستان در شصت و چهار سال پیش، روز استقلال این کشور از هندوستان آغاز شد. سیل واقعی زمانی بود که بیماری امپریالیستها کشور هند تجزیه شد و برای نخستین بار یک جمهوری رسمی مسلمان مستقر گردید تا راه نفوذ به هند را از طریق شوروی ببندد و کنترل هندوستان را تسهیل کند. انگلیسها با دخالت در امور هندوستان بلوچستان را به عنوان استخوان لای زخم در این منطقه برای اعمال نفوذهای آتی باقی گذاردند. از زمان این استقلال، پاکستان روی خوش بخود ندیده است. بنگالدش از پاکستان جدا شد. بر سر مساله کشمیر میان هندوستان، چین و پاکستان اختلاف نظر و درگیری وجود دارد. پاکستان به عنوان عضو پیمان سنتو به عنوان یک پایگاه آمریکائی و حلقه زنجیر محاصره شوروی پیمان نظامی ناتو را به سیتو در جنوب شرقی آسیا وصل می کرد. دولت عربستان سعودی با پولهای کلان و تقویت سپاه صحابه در پاکستان در این کشور نفوذ فراوان دارد و به جنگ شیعه و سنی برای تثبیت نفوذ خود در دشمنی با ایران دامن می زند. پاکستان یکی از مراکز مهم مواد مخدر در منطقه است که در توزیع و کسب در آمد ناشی از این کار سابقه طولانی دارد. حکومتهای پاکستان اساسا نظامی اند و ارتش است که بر این کشور با ظاهر دموکراسی حکومت می کند. پاکستان در زمان اشغال افغانستان توسط روسها بیماری عربستان سعودی و آمریکا تروریستهای اسامه بن لادن را تعلیم می داد و آنها را از طریق روابط حسنه سازمان امنیت پاکستان با طالبان به افغانستان گسیل می داشت. این روابط تا به امروز نیز ادامه دارد. پاکستان صاحب بمب اتمی است و یک حکومت اسلامی در آنجا بر سر کار است ولی ظاهرا کسی از بمب اتمی پاکستان نمی ترسد. بمب اتمی پاکستان مانند بمبهای اتمی اسرائیل از زمره بمبهای خوب اتمی هستند. امپریالیستهای آمریکا بر ساختن بمب اتمی پاکستان در دوران جنگ سرد چشم پوشیدند زیرا که در آن زمان هندوستان که داری بمب اتمی بود روابط بسیار حسنه با دولت روسیه داشت و آمریکائیهها ساختن بمب اتمی پاکستان را در چارچوب ایجاد توازن قوا در منطقه می پذیرفتند. بمب اتمی پاکستان برای آمریکا نگرانی آور نبود و "صلح جهانی را به خطر" نمی انداخت.

بدهی دولت پاکستان به 40 میلیارد دلار تخمین زده می شود. در حقیقت دولت پاکستان نمی تواند بدون کمکهای خارجی با وضعیت کنونی به بقاء خود ادامه دهد. این دولت اسلامی، پاکستان را به محلی برای تقویت طالبان و مدارس قرآن تبدیل کرد تا از این وسیله هم با روسیه در بیفتند و هم یک جریان مذهبی غیر شیعی را در منطقه برای مقابله با ایران پرورش دهد. تکیه بر ایدئولوژی اسلامی برای پاکستان مذهبی جنبه حیاتی دارد زیرا تنها با این توجیه مذهبی بوجود آمده و برای ادامه جنگ در کشمیر و یا مبارزه با هندوستان باید این ابزار را به کار بگیرد. پاکستان به علت وجود مردم پشتو و بلوچ با تنشهای قومی روبرو است و در نقشه تجزیه پاکستان که در زمان جرج بوش به صورت غیر رسمی منتشر شد این کشور به سه قسمت تجزیه می شد که بخشی از آن تحت نام بلوچستان همراه با بلوچستان ایران تشکیل یک دولت متحد می داد و بخشی نیز ضمیمه افغانستان می گردید. در نقشه جغرافیای سیاسی جهانی تجزیه پاکستان و ایران در ارزیابیهای امپریالیستها جایگاه خویش را دارد.

وضعیت پاکستان در منطقه بسیار شکننده است و فساد سرپای دستگاه دولتی آنرا را در بر گرفته است. در حالی که آقای زردار مشهور به "مستر ده درصد" به سفرهای تفریحی دور دنیا مشغول است و به حال و روز مردم پاکستان دل نمی سوزاند جریانهای مذهبی بشدت فعال بوده و با فعالیت در عرصه شبکه های رفاهی به نفوذ خود در پاکستان می افزایند و زیر پای آقای زرداری را خالی می کنند. پاکستان دست دراز شده عربستان سعودی و آمریکا برای جلوگیری از نفوذ روسیه و ایران در منطقه است. پاکستان در عین حال که با طالبان با فشار آمریکا می جنگد ارتباطات خویش را با آنها حفظ نموده زیرا که می داند تضعیف کامل طالبان در افغانستان به نفع نفوذ ایران است. پاکستان در افغانستان به تقویت مشروط طالبان نیاز دارد تا بتواند از تعمیق نفوذ ایران جلوگیری کند. در اینجاست که با دولت کنونی افغانستان و دول آمریکا و اروپا در تضاد قرار می گیرد. پاکستان در حقیقت باید در چندین عروسی برقصد و با بندبازی سیاسی بقای خویش را در منطقه تامین گرداند. این بندبازی تا چه مدت دوام آورد روشن نیست. بی ثباتی

پاکستان نیز ناشی از این گره‌گاه تضادها در منطقه است. پاکستان در دشمنی با هندوستان با دولت چین روابط حسنه دارد در حالیکه آمریکا به وجود پاکستان برای محاصره چین و ایران نیاز دارد.

سیل اخیر در پاکستان تنها ضربه اقتصادی به این کشور نمی زند بلکه وضعیت سیاسی پاکستان را از ریشه متزلزل می سازد. نارضائی اوج می گیرد و دولت فاسد پاکستان قادر نیست بر این نابسامانی غلبه کند. آنها تنها تلاش دارند به بهای بی خانمانی میلیونها مردم پاکستان با کشکول گدائی بدور جهان بگردند و جیبهای خویش را پر کنند.

اما خود بسیج رسانه های گروهی غرب برای جلب حمایت مردم در امداد رسانی به پاکستان نیز داستان مفصلی دارد. سالها رسانه های گروهی دولت متحد آمریکا را که شگفت آور در "محور شر" قرار نداشت ولی از مراکز تروریسم بن لادن بود به عنوان مامن تروریسم، کشور بنیادگراهای اسلامی، فاسد و... به افکار عمومی معرفی می کردند که کم هم بی ربط نبود. در مورد پاکستان یک افکار عمومی منفی در جهان بوجود آمده است. وضع طوری است که هر سفر به پاکستان مملو از خطر و سوء ظن برانگیز است.

حال که بزرگترین فاجعه قرن در پاکستان روی داده که جان بیست میلیون نفر در خطر است تمایل یاری به مردم پاکستان به علت همین تبلیغات منفی و گزینشی رسانه های گروهی دنیای "آزاد" به حداقل رسیده است. تفکر آنها چنین است: بدرک که می میرند، یک بنیادگرا کمتر! کار به جائی رسیده است که ارزش جان انسان را با این آموزشهای فرهنگی و شستشوی مستمر مغزی در این ممالک بر اساس تفکرات مذهبی محک می زنند. همین روحیه در مورد مردم لبنان و فلسطین مطرح است. کشتار قومی در نوار غزه موجب سرور و پایکوبی پیروان منصور حکمت در میان ما ایرانی هاست که از سیاست راهبردی صهیونیسم و امپریالیسم سرچشمه می گیرد. این فاجعه ابعاد سیاسی پیدا می کند.

از این گذشته ممالک امپریالیستی سرمایه های کلانی در پاکستان ندارند که به خطر افتادن آنها برایشان اهمیت داشته باشد. پاکستان را نمی شود با تایلند و یا جزایر اندونزی و سریلانکا مقایسه کرد. سونامی سرمایه های امپریالیستی که به این کشورها روی آورده بود و زیر بنای توریسم را می ساخت با سونامی طبیعت روبرو شد و بکلی نابود گردید. میلیاردها یوروی سرمایه های شرکتهای آلمانی، بانک آلمان در تایلند نابود شدند. حال لازم بود تحت نام یاری انساندوستانه افکار عمومی را چنان بسیج نمود که مردم عادی از جیب خود، از بخور و نمیر خود در دلسوزی با مردمان تایلند به کمکهای صادقانه پردازند بدون آنکه بدانند از این راه مشغول تقویت سرمایه داران خودی هستند و سرمایه های از دست رفته آنها را جبران می کنند. ارتش آمریکا فقط با انگیزه حفظ میدانهای نفت وارد کارزار شد و ناوگان خویش را برای حفاظت از این منابع به اندونزی اعزام داشت. کاری که آنها در هائیتی کردند و هنوز سرزمین هائیتی را در اشغال خویش نگاه داشته اند و قصد خروج از هائیتی را ندارند. هائیتی مانند عراق و افغانستان مستقیماً و با علم و کتل اشغال نشد، زیرجلکی تحت عناوین انساندوستانه اشغال شد. هم اکنون همین نغمه را ارتش آمریکا سر می دهد که بالگردهای نظامی خویش را به پاکستان بفرستد و ناوگان دریائیش در سواحل آن لنگر بیاندازد.

منافع سرمایه های امپریالیستی ایجاب می کرد که در سریلانکا پس از سرمایه گذاری مجدد امنیت برقرار شود و این امنیت سیاسی با سرکوب مبارزان تامیل که آنها را در فهرست اسامی تروریستها قرار داده بودند مقدور بود. از آن تاریخ است که این جنبش با توافق همگانی سرکوب شد و در سریلانکا که صنعت توریسم مجدداً سربرافراشت امنیت سیاسی برای این سرمایه ها نیز تامین گردید.

امدادهای بشردوستانه امپریالیستی همیشه ریاکارانه است و در پشت آن مقاصد سیاسی نهفته است. در مورد زلزله بم بیاد آوریم که همه تبلیغات کمکهای بی شائبه امپریالیستی دروغ از کار در آمد و دولت مصر که می خواست ارک بم را با پول خود بنا کند و آنرا در بحبوحه اوج احساسات عمومی بیان کرده بود بی سر و صدا از اجرای آن شانه خالی کرد. مصیبتی که در پاکستان روی داده حاوی نکات آموزنده ای برای مبارزان ایرانی است تا بار دیگر ماهیت امپریالیستها و نقشه شوم آنها را در منطقه بشناسند و از این تجربیات برای تشدید مبارزه علیه غارتگران بین المللی بویژه امپریالیسم آمریکا و ایجاد منطقه ای امن که خلقها خود بر سرنوشت خود حاکم شوند، بیاموزند.

نقل رای حزب کارا ی ارگان مرکز 126 از توفان شماره ن شهر یورماه 1389

www.toufan.org

toufan@toufan.org